

دانلود درس‌پردازی



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net

﴿الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

آلأنعام / ١

سیاس خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (درس اول)

ذاکَ هُوَ اللَّهُ او همان خداست.

انظُرْ إِلَيْكَ الشَّجَرَةِ ذاتِ الْغُصُونِ النَّضِيرَةِ

به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه ازدانه‌ای روییده و چگونه درختی شده است؟

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟

وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً

وبه خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

فِيهَا ضِياءً وَ بِهَا حَرَارَةً مُنْتَشِرَةً

در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوجَدَهَا فِي الْجَوَّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا همچو پاره آتش پدید آورد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَّهُ مِنْهُمْ نَرَةً

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذو حِكْمَةٍ بِالْغَيْثِ وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَةٍ

دارای (حکمت) دانشی کامل و نیروی توانایی است.

نُظُرٌ إِلَى الْلَّيلِ فَمَنْ أُوجَدَ فِيهِ قَمَرٌ

به شب بنگر؛ پس چه کسی ماہش را در آن پدید آورده است؟

وَ زَانَةٌ بِسَانِجٍ كَالْدُرَرِ الْمُنَتَشِّرَةِ

و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟ (زینت داد)

وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرًا

وبه ابر نگاه بنگر؛ پس چه کسی بارانش را از آن فرو فرستاد؟
(نازل کرد)

آلدرّسُ الثّانِي (درس دوم)

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). پندها و نصائح شمارشی (عددی) از پیامبر خدا (ص)

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتُرْكُهُ. فَإِنَّمَا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرُكُ .

قالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشَّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

ستم سه گونه است : ظلمی که خدا آنرا نمی آمرزد ، و ستمی که آنرا می آمرزد و ستمی که آن را رها نمی کند .

و اما ستمی که خداوند آنرا نمی آمرزد ، شرک است . خداوند فرموده است : ﴿قَطْعاً شرِكَ سَتْمَ بَزَرْگَى اَسْتَ

وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ اِنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتُرْكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًاً .

و اما ستمی که خداوند آنرا می آمرزد ، ستم بندگان به خودشان و پروردگارشان است ، و اما ستمی که خداوند آنرا رها نمی کند ، ستم بندگان به یکدیگر است.

سَبْعُ يَجْرِي لِلْعِبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلِمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَئْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَّثَ مَصْحَافًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

پاداش هفت] چیز [در حالی که پس از مرگش در گورش است برای بندۀ جاری است: هر کس دانشی را یاد داد، یا جویی را روان کرد، یا چاهی را گند، یا نخلی را کاشت، یا مسجدی ساخت، یا قرآنی به ارت گذاشت، یا فرزندی به جانهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کرد.

این ترجمه هم درست است ... هر کس دانشی را یاد دهد یا جویی را روان کند یا چاهی را حفر کند یا نخلی را بکارد یا مسجدی بسازد یا قرآنی به ارت بگذارد یا فرزندی به جانهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کند.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزُءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَ أَنْزَلَ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذِلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ.

خدا مهربانی (رحمت) را صد بخش قرار داد و نود و نه بخش را نزد خود بگرفت و یک بخش را در زمین فرود آورد، از همان بخش آفرید گان به هم مهربانی می ورزند.

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْاثْنَيْنِ يَكْفِي الْثَلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ، كُلُّوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

قطعاً خوراک یک تن برای دو تن بستنده است و خوراک دو تن برای سه تن و چهار تن بس است، همه با هم بخورید و پراکنده نشوید؛ زیرا برکت با جماعت است.

إِنَّا نِحْنُ خَيْرُ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةُ خَيْرٌ مِنِ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةُ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.
دو تن از یک تن بهتر و سه تن از دو تن بهتر است و چهارتن از سه تن بهتر است؛ بر شما لازم است در جمع باشید.

مِنْ أَخْلَصِ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هر کس چهل بامداد برای خدا خالص شد ، (پاکی نیت ورزید / خالص شود، پاکی نیت ورزید) چشمه های دانش (حکمت) از دلش (قلبس) بر زبانش آشکار شود. (ظاهر شود)

أَرْبَعَةُ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ بِالْفَقَرِ وَ الْوَجَعِ وَ الْعَدَاوَةِ وَ النَّارِ.

چهار (چیز) اندکش بسیار است : مستمندی(فقر) و درد ، دشمنی (کینه ورزی) و آتش (جهنم)

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. پرستش (عبادت) ده بخش است که نه (۹) بخش در جستن (طلب) حلال است .

إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا. هرگاه دو (نفر) در گوشی راز می گفتند (نجوا می کردند) ، میان آن دو وارد نشو .

الدَّرْسُ الْثَالِثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنَّ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكًا تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آيَا باورمی کنى که روزی از روزها ماهی های را ببینی که از آسمان می ریزد؟!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ مُسْلِمًا بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.
وَلَكِنْ أُمِكِنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظَنُّ أَنَّ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَلَيْسَ فِلَمًا خَيَالِيًّا؟!
ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟ آیا گمان می کنى که این باران حقیقت باشد(است) و فیلمی خیالی نیست؟!

حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. بِسْيَارٌ خَوبٌ؛ پس به این تصویرها نگاه کن تا باور کنى.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمْطِرُ أَسْمَاكًا. يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ
الظَّاهِرَةُ الطَّبِيعِيَّةُ (مَطَرُ السَّمَكِ)

به دقت نگاه کن؛ افتادن ماهی ها را از آسمان می بینی؛ گویی از آسمان ماهی ها می بارند. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می نامند.

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوابًا. يَحْدُثُ (مَطَرُ السَّمَكِ) سَنَوِيًّا فِي
جُمْهُورِيَّةِ الْهَنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيَكَا الْوُسْطَى.

این پدیده مردم را سال های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته اند باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی رخ می دهد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَا نَا. فَيَلْاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَ
رِيَاحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.

این پدیده احياناً دوبار در سال رخ می دهد. و مردم تکه ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوى و باران شدیدی را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبَخِهَا وَتَنَاوِلُهَا. حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ
الظَّاهِرَةِ الْعَجِيَّبَةِ؛

سپس زمین پوشیده از ماهی ها می شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردن آنها می برنند. دانشمندان برای شناخت راز این پدیده عجیب تلاش کرده اند.

فَأَرْسَلُوا فِرِيقاً لِزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعْرُفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَنْسَاقِطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هِذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،

وَگَرُوهِی را برای دیدن محل و شناختن ماهی هایی که بعد از این بارانهای شدید بر زمین می افتند فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَنَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ

وَآنَهَا دریافتند که همه ماهی ها را پخش شده روی زمین از یک ندازه و یک گونه هستند ولی شگفت این است که ماهی ها متعلق به آب های مجاور نیستند.

بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَاطِلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مَائِتَى كِيلُومُترٍ عَنْ مَحَلٍ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.

بلکه متعلق به آب های اقیانوس اطلس هستند که به فاصله ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی ها دور هستند.

ما هو سبب تشكيل هذه الظاهره؟ دليل تشكيل اين پديده چيست؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقَدُ سُرْعَتَهُ تَنْسَاقِطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی رخ می دهد و ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد و به جای دوری می برد و وقتی سرعتش را از دست می دهد ماهیها بر زمین می افتد.

يَحَتَّفُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهِذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمَّونَهُ (مِهْرَاجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ). فَانْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ.
(الْبَقَرَةُ ۲۲)

مردم در هندوراس هر ساله این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ای باران ماهی » می نامند و (خداآوند) از آسمان آبی را فرو فرستاد و به کمک آن از ثمره ها روزی برایتان خارج ساخت.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

الْتَّعَايِشُ السَّلْمَىُ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرْءَةِ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری کردن از بیادبی استوار است) بوده است . زیرا خداوند می فرماید.

﴿وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ إِدْفَعَ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي يَبْيَنُكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فُصِّلَتْ: ٣٤

نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه ای که بهتر است [بدی را] ادفع کن پس آنگاه (می بینی) کسی که بین تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.

إنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَا يَسْبُوَا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ
همانا قران به مسلمانان دستور می دهد که بت های (خدایان) (مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ... ﴿الأنعام ١٠٨﴾
وآن (قران) می فرماید: کسانی را که به غیر خدا فرامی خوانند دشنام ندهید که هخدا را دشنام خواهند داد.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدِيَانَ الْأُلَّا هِيَةً: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا﴾ ﴿آل عمران ٦٤﴾

اسلام به ادیان الهی را احترام می گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرْيَّةِ الْعِقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ...﴾ ﴿البقرة ٢٥٦﴾
قران بر آزادی عقیده تاکید می کند. هیچ اجباری در دین نیست.

لا يَجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدُوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايْشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاظِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعِقَائِدِهِ: لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرُّوم ٣٢:
پاپشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی را جایز نیست، به خاطر اینکه کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم لازم است (همهی مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا هر حزب و گروهی به آنچه دارد، دلشاد است.

الْبِلَادُ الْأَسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أُلْوَانِهَا.
کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت های بسیار است که در زبان و رنگ فرق می کند.

قالَ اللَّهُ تَعَالَى: خداوند تعالی (بلند مرتبه) فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاقَكُمْ﴾ ﴿الحجّرات ١٣﴾

ای مردم ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را ملتها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز گارترین شماست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَرِسْتَادِهِ خَدَا (ص) فرموده است:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجَمٍ، وَلَا لِعَجَمٍ عَلَى عَرَبٍ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ

وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالنَّتْقَوِيِّ)

ای مردم بدانيد که خدای شما یکی است و پدرتان یکی است قطعاً نه هیچ عربی بر غیر عرب برتری دارد و نه هیچ غیر عربی بر عرب نه هیچ سیاهی بر سرخ و نه هیچ سرخی بر سیاه مگر با تقوی و پرهیز گاری.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ。 وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا... آل عمران ۱۰۳

قران ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند . و همگی به رسیمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

يَتَجَلَّ اِتْحَادُ الْأُمَّةِ اِلَّا سَلَامٍ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اِجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجَّ.

یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه گر می شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج .

الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاخَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهنهای گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

قالَ الْأَمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفْرِقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد. پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای گسترش اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنَى: وَرَهْبَرُهُمْ آیَتُ اللَّهِ خَامِنَهُ اَیَ فَرْمَدَنَد:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند پس وی مزدور دشمن است.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ (درس پنجم)

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ (لقمان ۱۱) *

الْغَوَّاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيَلَّا، شَاهَدُوا مِئَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ ذَاتَ الْوَانِ مُتَعَدِّدَةِ الَّتِي يَنْبَغِي ضَوْءُهَا مِنَ الْأَسَمَاكِ الْمُضَيَّةِ،

غواصانی که شبانه به أعماق (زرفای) اقیانوس رفته‌اند، صدها چراغ برقی با رنگ‌های متعدد را دیده‌اند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود. (تابیده می‌شود)

وَ تَحُولُّ الْلَّامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَّاصُونَ الْتِقَاطَ صُورَفِي أَصْوَاءِ هَذِهِ الْأَسَمَاكِ.
و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند که غواصان در آن می‌توانند در نور این ماهی‌ها عکس بگیرند.

إِكْتَشَفَ الْعَلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَصْوَاءَ تَنَبَّعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسَمَاكِ.

دانشمندان کشف کرده‌اند که این روشنایی‌ها از گونه‌ای باکتری درخشنایی زیر چشمان این (آن) ماهی‌ها زندگی می‌کنند ارسال می‌شود.

هَلْ يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينَ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ لِإِنْارَةِ الْمُدْنِ؟

آیا ممکن است که روزی بشر از این(آن) معجزه‌ی دریایی استفاده کند و بتواند برای روشن کردن شهرها از باکتری درخشنان یاری بجوید؟

رَبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذلِكُ، لِأَنَّهُ (مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ)
چه بسا بتواند ، زیرا " هر کس چیزی را خواست (بخواهد) و تلاش کرد ، یافت . (زیرا " هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند ، می‌یابد .)

إِنَّ لِسَانَ الْقِطْطِ سِلاحٌ طِبَّيٌّ دَائِمٌ، لِلَّهِ مَمْلُوَّ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقَطْطُ جُرْحَةً عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَئِمَ.

بی گمان، زبان گربه سلاح پزشکی همیشگی است ؛ زیرا آن پر از غده‌هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می‌کند ، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می‌لیسد تا زخمش بهبود یابد .

إِنَّ بَعْضَ الطَّيْوِرِ وَالْحَيَوانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِّيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعِمُ الْعَشَبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوِقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلَفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هِذِهِ الْحَيَوانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

قطعاً برخی از پرندۀ‌ها و حیوانات‌بنا به طبیعتشان گیاهان دارویی را می‌شناسند . و می‌دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف بکار گیرند ؛ و این حیوانات انسان را به خواص درمانی بسیاری از گیاهان صحرایی و مانند آن راهنمایی کرده‌اند .

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاكِهَا لِلْغَيْةِ خَاصَّةٍ بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَّمَ مَعَ بَعْضِهَا،

قطعاً اغلب حيوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود؛ زبان عمومی دیگری دارند که به واسطه آن می‌توانند با همیگر به تفاهم برسند.

فَلِلْغَرَابِ صَوْتٌ يُحَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوانَاتِ حَتَّىٰ تَبَتَّعَدَ سَرِيعًا عَنْ مِنْطَقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزَلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَايَةِ.

پس کلاح صدایی دارد که به وسیله آن به سایر حیوانات هشدار می‌دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند. پس آن مانند جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

لِلْبَطْ خِزانَاتُ طَبِيعَيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَذْنَابِهَا تَحْتَوَى رَيْتاً خَاصًا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَنَاثِرُ بِالْمَاءِ.
اردک نزدیک دم هایش انبارهای طبیعی دارد که روغن خاصی را در بر دارد که بر بدنها یشان (اجسامشان) پخش می‌شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرد.

تَسْتَطِيعُ الْحِرَباءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اِتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب پرست می‌تواند چشمانش را به جهت‌های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را حرکت دهد و آن می‌تواند همزمان دوطرف را ببیند.

لَا تَتَحَرَّ كُ عَيْنُ الْبَوْمَهُ، فَإِنَّهَا ثَابِتَهُ، وَلَكِنَّهَا تُعَوْضُ هَذَا النَّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا.

چشم جعد حرکت نمی‌کند، و آن ثابت است، اما اواین نقص را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می‌کند و می‌تواند که سرش را کاملاً بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد.

آلَدَرْسُ السَّادِسُ (درس ششم)

ذو القرنين (ذوالقرنيين)

كانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحَدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعَظَمَةَ؛
در گذشته پادشاهی عادل ویکتاپرست بود که ذوالقرنین نامیده می‌شد و خداوند به او نیرو و شکوه داده بود،

كانَ ذُو الْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقًا وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَربًا وَ شَمَالًا.

ذوالقرنین بر مناطق گسترده‌ای از زمین، در شرق و غرب و شمال حکومت می‌کرد.

ذُكِرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ بِعِدَّةِ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ. نَامَ أوْ وَكَارَهَاهُ شَايِسْتَهُ اَشْ در چند آیهی قرآن ذکر شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ
يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَمُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَالْفَسَادِ.

وقتی اوضاع برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، باسپاهیان ولشکرباشکوهش به سمت مناطق غربی زمین حرکت کرد درحالی که مردم را به توحید و جنگ با ظلم و فسادفرامی خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرَحِّبُونَ بِهِ فِي مَسِيَّهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَيَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَيُدِيرَ شُؤُونَهُمْ، حَتَّى
وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَنَقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتٌ رَائِحَةٌ كَرِيمَةٌ.

و مردم به دلیل دادگریاش در راهش به او خوشامد می گفتند و از وی می خواستند که برایشان فرمانروایی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن تالابهایی بود که آب هایش دارای بوی بدی بود.

وَوَجَدَ قُرْبَهُ ذِي الْمُسْتَنَقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَمِنْهُمْ صَالِحُونَ.

ونزدیک این تالابها هامردمانی را یافت(دید) که بخشی از آنانها تباہکار و بخشی درستکار بودند.

فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَخَيْرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَهِدَايَتِهِمْ.
پس خداوند ایشان را در مورد کارشان خطاب کرد و او را درجنگ با مشرکان تباہکارشان، یا اصلاح وهدایتشان اختیارداد.

فَأَخْتَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَدَعْوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِاللَّهِ.

ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها را به توحید و ایمان به خداوند برگزید.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدْلِ وَأَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَدَبَّرَ شُؤُونَهُمْ.

پس بادادگری برآنان فرمانروایی کرد و تباہکارانشان را اصلاح کرد و کارهایشان را سامان بخشدید.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطْاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأَمَمِ وَاسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَهَيْبَتِهِ،

سپس با ارتیش هایش به سوی شرق رفت. و بسیاری از امتهای از او پیروی کردند و به خاطر دادگری و هیبتیش، به پیشواز وی رفتند.

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عِيشَةً بِدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلإِيمَانِ بِاللَّهِ وَحَكْمَهُمْ حَتَّى
هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَأَصْلَحَ حَيَاةَهُمْ وَعَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ.

تا اینکه به قومی غیر متمن دن رسید که کاملاً بدوى وابتدايی زندگی می کردند، پس آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و برآنان حکومت کرد تا به راه راست هدایت و زندگی بیشان را اصلاح کرد و به آنها آموخت چگونه زندگی کنند.

وَبَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفَعَيْنِ،

و پس از آن به سوی شمال رفت تا به مردمانی رسید که نزدیک تنگه ای میان دو کوه بلند زندگی می کردند،

فَرَأَى هُؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَظِيمَةَ جَيْشِهِ وَأَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛
وَآنَ مَرْدَمَانْ عَظِمتْ وَبِزَرْگَى ارْتَشْ وَكَارْهَائِي شَايسْتَهَاشْ رَا دِيدَندْ وَبَا رَسِيدَنْ او فَرَصَتْ رَا غَنِيمَتْ شَمَرَدَندْ؛

لَأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتِينِ وَحَشِيقَتِينِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبالِ؛
ولَى آنَهَا از دو قبیله‌ی وحشی که پشت آن کوهها زندگی می‌کردند در عذاب شدیدی بودند.

فَقَالُوا لَهُ إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَالْأَخْرِ مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛
پس به او گفتند: مردان این دو قبیله تباہکار هستند هرازگاهی از این تنگه به ما حمله می‌کنند،

فَيُخَرِّبُونَ بُيُوتَنَا وَيَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَهَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ.
وَخانَهَا يَهْيَمَانْ رَا وَيَرَانْ وَأَمْوَالْ وَدَارَایْ مَانْ رَا غَارَتْ مَيْ كَنَنْدْ، وَاينْ دو قبیله «يأجوج و مأجوج» هستند.

لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَقَالُوا لَهُ نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍ عَظِيمٍ،
بنابراین از او کمک خواستند و به وی گفتند: از تو خواهش می‌کنیم این تنگه را با کمک سدی بزرگ بیندی،

حَتَّى لَا يَسْتَطِعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَنَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛
تا دشمن نتواند که از آن به ماحمله کند و ما در این کارت به توکمک می‌کنیم،

بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذُو الْقَرْبَانِيْنِ وَقَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ هَبَّ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ،
پس از آن با هدایای زیادی نزد او آمدند، ذو القربانیان آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند بهتر از بخشش
غیر او است،

وَأَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.
وازشما درخواست می‌کنم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم از این کار خیلی خوشحال شدند.

أَمْرَهُمْ ذُو الْقَرْبَانِيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَالنُّحَاسِ، ذُو الْقَرْبَانِيْنِ بِهِ آنَهَا دَسْتُورَدَادَ كَهْ آهَنْ وَمَسْ بِيَارَنْدْ،

فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَأَشَعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَدَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ،
سپس آن (مس) را در آن تنگه قرارداد و آتش روشن کردند تا اینکه مس ذوب شد و میان آهن رفت،

فَأَصْبَحَ سَدًا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَتَخَلَّصُوا مِنْ
قَبِيلَتَيْ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ.

وَسَدَّى قَوْيَى مُقَابِلَ اينِ دو قبیله شد، پس مردان از پادشاه درستکار به خاطر این کارش سپاسگزاری کردند،
و از دو قبیله یأجوج و مأجوج رها شدند.

وَشَكَرَ ذُو الْقَرْبَانِيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاهِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

وَذُو الْقَرْبَانِيْنِ از پروردگارش بخاطر موقفيت او در پیروزی هایش سپاسگزاری کرد.

نَفْهَمُ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ.
ازاین داستان می فهمیم که فرمانروایی شایسته‌ی عادل، نزد خدا و مردم دوست شناسی هستند.

الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَابِيْهُ ای آنکه شگفتی هایش در دریاها است.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ ازدعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْأَسْرَةِ فِلَمَا رَأَيْعَا عَنِ الدُّلُفِينِ الَّذِي أَنْقَدَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَأَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.
اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفین می بینند که انسانی را از غرق شدن نجات داده واورا به ساحل رسانده است.

حَامِدٌ : لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا. حَامِدٌ: باورنمی کنم، این کار شگفت انگیزی است. خیلی مرا متحیرمی کند.

الْأَبُ : يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلُفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.
پدر: ای فرزندم (پسرم) عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان در دریاها است.

صَادِقٌ : تَصْدِيقَهُ صَعْبٌ ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ. صَادِقٌ: باورش سخت است؟! ای پدرم، مارا با این دوست آشنا گردن.

الْأَبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَسَمْعُهُ يَفْوَقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،
پدر: او حافظه ای قوی دارد، و شنواییش ده برابر برتر از شنوایی انسان می باشد.

وَوَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفَى وَزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَهُوَ مِنَ الْحَيَوانَاتِ الْلَّبُوَنَةِ الَّتِي تُرْضِعُ صِغَارَهَا.
وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می رسد، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیرمی دهد.

نُورَا: إِنَّهُ حَيَوانٌ ذَكَرٌ يُحِبُّ مُسَاعِدَةَ الْإِنْسَانِ ! لَيْسَ كَذِيلَكَ؟
نُورَا: آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الْأَبُ : نَعَمْ؛ بِالْتَّأْكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينُ أَنْ تَرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْمَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.
پدر: بله، قطعاً، دلفین ها می توانند که مارا به محل سقوط هوا پیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند.

الْأَمُ : تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دُورًا مُهِمًا فِي الْحَرْبِ وَالسُّلْمِ، وَتَكْشِيفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَابَ وَأَسْرَارٍ،

مادر: دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند، و آنچه را از شگفتی‌ها و اسرار زیرآب هست کشف می‌کنند. (شگفتی‌ها و اسرار زیرآب را کشف می‌کنند).

وَ تُسَاعِدُ الْأَنْسَانَ عَلَى اِكْتِشافِ أُمَّاکِنِ تَجْمُعِ الْأَسَمَاكِ بِوَهْنِ اِنْسَانٍ دَرْكَشَفِ مَحْلٍ هَای تَجْمُعٍ مَا هِيَهَا كَمَكَ مَیْ كَنَنْد.

صادِقٌ : رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَكَلَّمُ مَعًا؟

صادق: دلفین‌ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می‌دادند؛ آیا باهم صحبت می‌کنند؟

الَّاَمُ : نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهُمْ تَسْتَطِيُّونَ أَنْ تَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر: بله؛ دریک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می‌کنند که آنها می‌توانند با بکارگیری صدای مشخص صحبت کنند،

وَ أَنَّهُمْ تُغْنِي كَالْطَّيُورِ، وَ تَبَكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصَرُّفُ وَ تَضَحَّكُ كَالْأَنْسَانِ.

واينکه مانند پرنده‌گان آواز می‌خوانند، و همچون بچه‌ها گریه می‌کنند، و مثل انسان سوت می‌زنند و می‌خندند.

نورا: هَلْ لِلَّدَلَافِينِ أَعْدَاءٌ؟ نورا: آیا دلفین‌ها دشمنانی دارند؟

الَّاَبُ : بِالْتَّأْكِيدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهُمْ عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ،

پدر: قطعاً، دلفین‌ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می‌آورند، و هنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،

تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضَرِّبُهَا بِأَنْوَفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

به سرعت اطرافش جمع می‌شوند، و بابینی‌های تیزشان آنها را می‌زنند و آنها را می‌کشند.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَافِينُ الْأَنْسَانَ حَقًّا؟ نورا: آیا در حقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

الَّاَبُ : نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرَأُ هَذَا الْخَبَرَ فِي الْأَنْتَرِنِت ... سَحَبَ تَيَارُ الْمَاءِ رَجْلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ،

پدر: بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم ... جریان آب مردی را به شدت به اعمق (دریا) کشید،

وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : رَفِعْنَى شَءْ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةِ ثُمَّ أَخْذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ

ومرد بعد از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد، سپس مرا به ساحل کشاند

وَ لَمَّا عَزَّمْتُ أَنَّ أَشَكُّ مُنْقِذِيِ، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَ كَنَّى رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَّحٍ .

وهنگامی که تصمیم گرفتم ازنجات دهنده ام تشکرکنم، کسی را نیافتم، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم درآب با خوشحالی

می پرید.

آلأمُ : إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعَمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: براستی دریا و ماهیها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : رسول خدا(ص) فرمود:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءِ عِبَادَةٍ : نگاه کردن بر سه چیز عبادت است:

النَّظَرُ فِي الْمُصَحَّفِ ، نگاه کردن به قرآن

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ ، ونگاه کردن به چهره پدر و مادر

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ . ونگاه کردن به دریا.

الدَّرْسُ الثَّامِنُ (درس هشتم)

صِناعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ صنعت تلمیع درادیبات فارسی

إنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَّةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعُرَاءُ الْأَيْرَانِيُّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أُبِيَّاتًا مَمْزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَوَهَا بِالْمُلْمَعِ؛

قطع‌ا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی و فارسی سروده اند و آن را ملمع نامیده اند؛

لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعُرَاءِ الْأَيْرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرازِيُّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرازِيُّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّوْمَيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

بسیاری از شاعران ایرانی ملمعاتی دارند از جمله: حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.

****مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ** (ملمع لسان الغيب حافظ شیرازی)

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرٍ الْقِيَامَةِ

از خون دل نوشتیم نزدیک دوست نامه

نامه ای با دل خونین برای محبوبیم نوشتیم "که من روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم "

لَيْسَتْ دُمْوعُ عَيْنِي هِذِي لَنَا الْعَلَامَةِ؟

دارم من از فِراقش در دیده صد علامت

من از دوری او صدها نشانه در چشم دارم ، " آیا اشک های این دوچشم من ، نشانه و علامت برایمان نیست
؟ "

مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةِ

هر چند کازمودم از وی نبود سودم

هرچه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید " هر کس آزموده را بیازماید ، پشیمانی نصیبش
می شود "

فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبَهَا السَّلَامَةِ

پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا

از طبیبی درباره احوال محبوبیم سوال کردم ، گفت : " در دوری و هجرانش رنج و عذاب و درنzdیکی اش
سلامتی و آسایش است "

وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلَا مَلَامَةِ

گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم

گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم " به خدا سوگند که ما عشقی را بدون
لامت و سرزنش ندیدیم "

حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأسًا مِنَ الْكَرَامَةِ

حافظ چو طالب آمد جامی به جان

شیرین

حافظ درازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا ازان (دادن جان) ، جامی از کرامت عشق
بچشد "

***مُلْمَعُ سَعْدِيُ الشِّيرازِي (مُلْمَع سعدی شیرازی)

تَوْ قَدْرِ آبٍ چَهْ دَانِيٍّ كَهْ دَرِ كَنَارِ فُراتِي

سلِ المَصَائِبِ رَكْبًا تَهِيمُ فِي الْفَلَوَاتِ

"از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان ها تشننه اند بپرس . "تو قدر و ارزش آب را چه می دانی ، وقتی
در کنار فرات هستی

شَبِمْ بِهِ رُوْيِ تُو رُوزْسْتَ وَ دِيدَهِ اَمْ بِهِ تُو
رُوشْنِ

شَبِمْ بَا دِيدَنِ رُوْيِ تُو مُثَلِ رُوزَاسْتَ وَ چَشْمِمْ بَا دِيدَنِ رُوْيِ تُو رُوشْنِ مِي شَوْدَ. " وَ اَگَرْ مَرَا تُرَكْ كَنَى ، شَبْ و
رُوزْمِ مُسَاوِي اَسْتَ "

اَگَرْ چَهِ دِيرِ بِمَانَدَمِ اَمِيدِ بِرِ نَگَرْفَتَمِ
گَرْچَهِ مَدَّتِ زِيَادَى اَنْتَظَارِ كَشِيدَمِ ، اَمَا اَمِيدَمِ رَا اَزِ دَسْتِ نَدَادَمِ ، " زَمَانِ گَذَشَتِ وَ دَلَمِ مِي گَوِيدَ كَهِ تُو مِي
آَيَى "

مَضَى الْزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتَى
اَگَرْ گَلِي بِهِ حَقِيقَتِ عَجَيْنِ آَبِ حَيَاَتِي
مَنِ اَنْسَانِي بِهِ زِيَابِيِي تُونِهِ دِيدَهِ اَمِ وَ نَهِ شَنِيدَمِ
مَنِ اَنْسَانِي بِهِ زِيَابِيِي تُونِهِ دِيدَهِ اَمِ وَ نَهِ شَنِيدَمِ ، اَگَرْ خَمِيرِ اَفْرِينَشِ تُوازِ آَبِ وَ گَلِ استِ ، حَقِيقَتَا آَغْشَتَهِ بِهِ
اَبِ زَنْدَگَانِيِ .

وَ قَدْ تُفَتَّشُ عَيْنُ الْحَيَاَةِ فِي الظُّلُمَاتِ
شَبَانِ تِيرَهِ اَمِيدَمِ بِهِ صَبَحِ رُوْيِ تُو باَشَدِ
شَبَهَايِ تَارِيَكِ مَنِ بِهِ اَمِيدِ دِيدَنِ رُوْيِ تُو صَبَحِ مِي شَوْدَ ، " وَ گَاهِي چَشَمَهِ حَيَاَتِ درَتَارِيَكِيِ هَا جَسْتَجوِ مِي
شَوْدَ "

فَكَمْ تُمَرِّرُ عَيْشِيِ وَ اُنْتَ حَامِلُ شَهَدِ
جَوابِ تَلَخِ بَدِيعِ اَسْتَ اَزِ آَنِ دَهَانِ نِباتِي
چَقْدَرِ زَنْدَگِيِمِ رَا تَلَخِ مِي كَنَى دَرَحَالِيِ كَهِ تُو اَيْنِ هَمَهِ شَهَدِ وَ شِيرِينِيِ دَارِيِ ! اَزَدَهَانِ شِيرِينِ تُو جَوابِ تَلَخِ
شَنِيدَنِ زِيَابَاستِ !

وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي
نَهِ پِنْجِ رُوزَهِ عَمَرْسَتِ عَشَقِ رُوْيِ تُو ماِ رَا
عَاشَقِ رُوْيِ تُو بُودَنِ بِرَاهِيِ ماِ فَقَطِ اَيْنِ پِنْجِ رُوزَهِ عَمَرْدَنِيَا نِيَسْتَ ، " اَگَرْ خَاكِ قَبْرَمِ رَا بَبُويِ ، بَوِي عَشَقِ رَا مِي
يَابِي "

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيَحِ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
مَحَامِدِ تُو چَهِ گَوِيمِ كَهِ مَاوَرَاهِ صَفَاتِي
هَرَزِيبَا رُوْيِ بَا نِمَكِيِ رَا وَصَفَ كَرَدَمِ هَمَانَطُورِ كَهِ دَوَسَتِ دَارِيِ وَ مِي پِسَنْدِيِ " سَتَايِشِ هَايِ تُورَا چَگَونَهِ بِيانِ
كَنَمِ كَهِ فَراَتِرِ اَزِ وَصَفَ كَرَدَنِ هَسْتِيِ "
أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرجُو وَ أَسْتَغْيِثُ وَ أَدْنُو
كَهِ هَمِ كَمَنَدِ بَلَايِ وَ هَمِ كَلِيدِ نِجَاتِي
اَزَتِو مِي تَرَسَمِ وَ بِهِ تَوَامِيدِ دَارِمِ وَ اَزَتِوكَمَكِ مِي خَواَهِمِ وَ بِهِ تُو نِزَديِكِيِ مِي جَوِيمِ " كَهِ هَمِ دَامَگَهِ بَلَاهَسْتِيِ
وَ هَمِ كَلِيدِ نِجَاتِ وَ رَهَاَيِي هَسْتِيِ "

أَحِبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي

ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن

به دلخواه و خواست دشمن ، از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم ، " دوستانم مرا ترک کردند همان طور که دشمنانم می خواهند "

وَ إِنْ شَكَوتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنَ فِي الْوُكَنَاتِ

فراقنامه سعدی عجب که در تو
نگیرد

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثربنی کند! " واگر به نزد پرندگان شکایت ببرم ، در لانه ها می گریند
وناله سرمی دهند "

شُنْجَرَةُ تَأْشِيَّ دَرْمَسِيرِ مَوْقِيَّتِ

دانلود درس‌پردازی



- ✓ دانلود گام به گام تمام دروس
- ✓ دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- ✓ دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- ✓ دانلود نمونه سوالات امتحانی
- ✓ مشاوره کنکور
- ✓ فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net